

The Representation of Self-Relation Metaphors in Alavi Discourse (A Linguistic Approach)

Razieh Nazari¹

Yahya Mirhoseini²

1. Assistant Professor of Arabic Language and Literature, Faculty of Theology and Islamic Studies, Meybod University, Meybod, Iran (corresponding author)

<https://orcid.org/0000-0002-3169-6181> / r.nazari@meybod.ac.ir

2. Associate professor, Department of Quranic Sciences and Hadith, Faculty of Theology and Islamic Studies, Meybod University, Meybod, Iran.

<https://orcid.org/0000-0001-5695-8267> / Mirhoseini@meybod.ac.ir

*Scientific
article*

Received:

2024/09/26

Accepted:

2025/01/11

Abstract: The term nafs (self) comprises psychological phenomena pertaining to both the inner and outer dimensions of human existence. From a cognitive linguistic perspective, the distinction between "agent" and "self" forms the overarching structure of the metaphorical system governing human self-relations. This study seeks to represent the governing values of Imam Ali's (AS) ideological framework by examining different types of human-self relations in his discourse through library research, a descriptive-analytical method, and cognitive linguistic and sociological approaches, ultimately deriving an ideal model of self-relation. The analyzed dataset consists of 190 narrations from Nahj al-Balagha containing the term nafs, with the most prominent ones relevant to the topic selected for discussion. The study employs a model derived from mapping social relations—based on Lakoff and Johnson's theory of embodied mind philosophy concerning metaphors of human inner life—onto patterns of social interaction. Findings indicate that the human agent and the self are conceptualized within the domains of parent-child relations, self-care, conflict, and adaptation, framed through the conceptual metaphors of body, living being, space, and obstacle. In the parental relationship, the human agent acts as an educator. Self-care relations lay the groundwork for self-improvement. Conflict, meanwhile, encompasses various relational dynamics, including approach, approach-avoidance, and avoidance. In adaptive relations, represented through the agent's direct and indirect exercise of authority, the focus is on the cohesion between the self and the human agent regarding divine command—namely, submission. Thus, the adaptive relationship emerges as the ideal model of human-self relations.

Keywords Alavi discourse, self-concept, religious self-perception, social relations, cognitive representation

DOI [10.22051/tqh.2025.47870.4244](https://doi.org/10.22051/tqh.2025.47870.4244)

Publisher Faculty of Theology, Alzahra University, Tehran, Iran

بازنمایی استعاره‌های روابط انسان با خویشتن در گفتار علوی (با رویکرد زبان‌شناختی)

یحیی میرحسینی^۲راضیه نظری^۱

۱. استادیار زبان و ادبیات عرب، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه میبد، میبد، ایران (نویسنده

مسئول) <https://orcid.org/0000-0002-3169-6181/r.nazari@meybod.ac.ir>

۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه میبد، میبد، ایران.

<https://orcid.org/0000-0001-5695-8267/Mirhoseini@meybod.ac.ir>

چکیده

اطلاعات مقاله

واژه «نفس»، ترکیبی از پدیده‌های روانی ناظر بر ابعاد درونی و بیرونی وجود انسان است. از دیدگاه زبان‌شناسی شناختی، تمایز میان «فاعل» و «خود»، ساختار کلی نظام استعاری ارتباط انسان با خویشتن را می‌سازد. پژوهش حاضر با هدف بازنمایی ارزش‌های حاکم بر نظام اندیشگانی امام علی^(ع)، نگاشته شده است و سعی دارد با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای، شیوه توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر رویکردهای زبان‌شناسی شناختی و جامعه‌شناختی، انواع روابط انسان با خویشتن را در کلام امام علی^(ع) بررسی نماید تا از این رهگذر به الگوی ارتباط آرمانی دست یابد. شایان ذکر آنکه مجموع داده‌های شمارش شده شامل ۱۹۰ روایت از نهج‌البلاغه است که واژه نفس در آن‌ها به کار رفته و برجسته‌ترین آن‌ها از حیث ارتباط با موضوع سخن در بحث حاضر، به تحلیل درآمده است. مدل به‌کاررفته در این جستار، از تطبیق روابط اجتماعی بر مبنای استعاره‌های زندگی درونی انسان در نظریه فلسفه جسمانی ذهن از لیکاف و جانسون بر الگوهای تعاملات اجتماعی حاصل شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، فاعل انسان و خویشتن در روابط والد-فرزندی، خودمراقبتی، کشمکش و سازگاری در حوزه‌های مفهومی جسم، موجود جاندار، مکان و مانع، مفهوم‌سازی شده است. در رابطه والدی، فاعل انسانی آموزشگر است. رابطه خودمراقبتی، زمینه‌ساز خودافزایی است. همچنین کشمکش، انواعی از روابط روی‌آوری، روی‌آوری-اجتناب و اجتناب را دربرمی‌گیرد. در رابطه سازگاری که با اعمال اقتدار مستقیم و غیر مستقیم از سوی فاعل بازنمایی می‌شود، مسئله انسجام خود با فاعل انسانی در خصوص انجام امر الهی که همان تسلیم است، موضوعیت دارد؛ بنابراین، رابطه سازگاری، رابطه آرمانی انسان با خویشتن است.

صص

۲۳۸-۲۱۳

نوع مقاله

علمی پژوهشی

دریافت:

۱۴۰۳-۰۵-۰۷

پذیرش:

۱۴۰۳-۱۰-۲۲

کلیدواژه‌ها: گفتار علوی، مفهوم خویشتن، خودپنداره دینی، روابط اجتماعی، بازنمایی شناختی

[10.22051/tqh.2025.47870.4244](https://doi.org/10.22051/tqh.2025.47870.4244)

DOI:

دانشکده الهیات دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

ناشر

۱. مقدمه

مفهوم «خود» ترکیبی از پدیده‌های روانی ناظر بر ابعاد درونی و بیرونی وجود انسان است و هسته هویت تلقی می‌شود که از حالات پایدار موقعیت‌مند و متغیر برخوردار است. خود پایدار، بر فردیت دلالت دارد و خویشتن متغیر، ناظر بر تعاملات اجتماعی است (Nedim, 2007, p4) که به عنوان ساختارهای موقعیتی و زمانی مورد تحلیل قرار می‌گیرند (Markus & Wurf, 1987, p304).

از آنجا که زبان در فرآیند درک و تفسیر رابطه انسان با خویشتن نقش کلیدی دارد، زبان‌شناسی شناختی به این رابطه توجه نموده و به بررسی چگونگی استفاده از زبان و تأثیر آن بر تفکر و درک زندگی درونی انسان پرداخته است. این بررسی در قالب الگوهای رفتاری با عنوان «استعاره‌های خویشتن» تحلیل شده است. در این استعاره‌ها میان فاعل و خویشتن تمایز وجود دارد و رفتار فاعل انسانی با خود بر اساس اصول رفتاری موجود در جامعه است. لازم به ذکر است این مفهوم‌سازی استعاری طرح‌های دقیق و بدیع را برای اقناع و اثرگذاری بر مخاطب ارائه می‌دهد (محصل و رضازاده، ۱۴۰۳، ص ۱۵۴).

کشف این الگوها در منابع دینی از اهمیتی دوچندان برخوردار است، زیرا رابطه انسان با معیارهای دینی را تبیین می‌کند. نهج‌البلاغه از جمله آثاری است که استعاره‌های رابطه انسان با خویشتن را به زیبایی بازنمایی کرده است. در این اثر، خودپنداره انسان، که ریشه در باورهای مبتنی بر ارزش‌های دینی دارد، از تعامل و برهم‌کنش او با جهان بیرون شکل گرفته است. در گفتار علوی، ارزش‌ها نه در مبانی نظری، بلکه در واقعیت عینی ریشه دارند و در گام نخست، پرورش خویشتن را به‌عنوان مقدمه‌ای برای اصلاح جامعه معرفی می‌کنند (حتة، ۱۹۸۳م، ص ۵).

پژوهش حاضر با هدف بازنمایی ارزش‌های حاکم بر نظام فکری امام علی (ع) تدوین شده و از منابع کتابخانه‌ای و روش توصیفی-تحلیلی استفاده کرده است. دامنه پژوهش شامل ۱۹۰ روایت از نهج‌البلاغه است که ارتباط نزدیکی با موضوع

پژوهش دارند و واژه «نفس» در آن‌ها به کار رفته است. مدل ابداعی این پژوهش بر اساس تطبیق استعاره‌های زندگی درونی انسان، برگرفته از نظریه فلسفه جسمانی ذهن لیکاف و جانسون، با الگوهای تعاملات اجتماعی شکل گرفته است.

۲. پیشینه پژوهش

با توجه به ماهیت میان‌رشته‌ای این پژوهش، آثاری که با موضوع «خویشتن انسان» نگاشته شده است در حوزه‌های فلسفی، عرفانی، روان‌شناختی، جامعه‌شناختی، دینی و زبانی قابل بررسی است. برای مثال، در مقاله «خودشناسی از منظر امام علی (ع) با تأکید بر *غرر الحکم*»^۱، زالی مقصودلو تلاش کرده است ضمن تعریف خودشناسی از نگاه امام علی (ع)، نشان دهد که خودشناسی و خودسازی رابطه‌ای دوسویه دارد و عوامل دستیابی انسان به قرب الهی است. کافی و مسعودی نیز در مقاله «نسبت توجه به علم خدا و خویشتن‌داری در انسان از دیدگاه آیات و روایات»^۲، رابطه خداجویی و خویشتن‌داری را بررسی و ثابت کرده‌اند که تأکید بر علم خداوند نسبت به جهان در آیات و روایات در پرهیزگاری انسان، سهم بسزایی دارد. در سال ۲۰۲۱، شفیق اکریر، نویسنده مغربی در مقاله «الإنسان والمرء فی القرآن، أو بین الماهیه المیتافیزیقیة و الشخص الأخلاقی»^۳ به این نتیجه دست‌یافته است که واژه «المرء» در قرآن کریم در برگیرنده ویژگی‌های اخلاقی متمایزکننده بشر از سایر هم‌نوعانش است. در مقاله «گذر از افسانه نارسیس به خویشتن در غزلیات شمس»^۴ از قریشی، پورگیو و نیری، اثبات شده که تعبیر عارفانه در بیان مولانا منعکس‌کننده مفهوم خویشتن اوست. پژوهش «مفهوم خویشتن در سنت فکری ملی‌گرا (مطالعه

۱. زالی مقصودپور، غفار (۱۳۹۰ش). فرهنگ پژوهش، ۴(۱۰)، صص ۱-۲۰.

۲. کافی، عبدالحسین؛ مسعودی، عبدالهادی (۱۳۹۲ش)، پژوهش‌های اخلاقی، ۴(۲) پیاپی ۱۴، صص ۵-۱۵.

۳. *Journal of Islamic Ethics*, Online Publication 5 (2021), pp.37– 83.

۴. قریشی، زهرا السادات؛ پورگیو، فریده؛ نیری محمدیوسف (۱۳۹۴ش)، پژوهش‌های ادب عرفانی، ۹(۱) پیاپی ۲۸، صص ۱-۳۴.

موردی: کسروی و شادمان)»^۱ از فیرحی و زیرکی حیدری، به این نتیجه اشاره دارد که سرزمین، جغرافیا، زبان و سنت عوامل شکل‌گیری مفهوم خویشتن به‌شمار می‌آیند. غلام‌پور آهنگرکلایی، طاووسی و اوجاق‌علیزاده در مقاله «مقایسه تطبیقی اعیان ثابته و وحدت وجود در اندیشه‌های عرفانی عطار و ابن‌عربی»^۲، بر این باورند که اعیان ثابته با کهن‌الگوی «خویشتن» قابل تفسیر است. نجفی ایوکی و کدخدایی نیز در «دراسة الآلیات الفنية لتقدیم النفس فی نهج البلاغة»^۳، ضمن بررسی آرایه‌های ادبی، به عنوان شگردهای خودمعرفی به این نتیجه دست یافتند که این شگردها مبتنی بر بیان غیر مستقیم هستند.

با وجود بهره‌گیری از رویکردهای متنوع در تحلیل مفهوم «خویشتن»، تاکنون اثری درباره تحلیل ساختارهای مفهومی رابطه انسان با «خود» در نهج‌البلاغه تدوین نشده است. از این‌رو، شناسایی ساختارهای نظام استعاری ارتباطی برای تبیین الگوی ارتباطی آرمانی در اندیشه امام علی^(ع) ضروری به نظر می‌رسد. در همین راستا، پژوهش حاضر می‌کوشد به پرسش‌های بنیادینی پاسخ دهد، از جمله: در گفتار امام علی^(ع)، رابطه انسان با خویشتن در چه قالب‌های استعاری مفهوم‌سازی شده است؟ این قالب‌های استعاری با چه اهدافی به کار رفته‌اند؟ بدیهی است که نتایج این پژوهش گامی مؤثر در تفسیر دقیق‌تر سخنان امام علی^(ع) خواهد بود.

۳. مبانی نظری پژوهش

واژه «نفس» همراه با واژگان «امرؤ»، «فرد»، «فردیة»، «انسان»، «شخص»، «شخصیة»، «خلق»، «أنا»، «ذات»، «روح»، «فؤاد» و «قلب» معادل مفهوم

۱. فیرحی، داوود؛ زیرکی حیدری، علی (۱۳۹۶ش)، ۴۷(۱)، صص ۱۱۹-۱۳۷.

۲. غلام‌پور آهنگرکلایی، لیلیا؛ طاووسی، محمود؛ اوجاق‌علیزاده، شهین (۱۳۹۸ش)، پژوهش‌های ادبیات تطبیقی، ۷(۱)، صص ۱۱۷-۱۴۱. DOI: 20.1001.1.23452366.1398.7.1.4.2

۳. نجفی ایوکی، علی؛ کدخدایی، مرضیه‌سادات (۱۴۴۳ق)، آفاق الحضارة الاسلامیة، ۲۴(۲) پیاپی ۴۸، صص ۱-۲۵.

«خویشتن» است (قرنی، ۲۰۰۱م، صص ۲۰-۲۳). این مفهوم، مانند سایر موجودیت‌های انتزاعی، از طریق نشانه‌ها، نتایج و کنش‌ها شناخته می‌شود (همان، ص ۳۰). نفس در وجود انسان، ساختاری یکپارچه‌کننده، نظم‌دهنده، تصمیم‌گیرنده، محاسبه‌گر، جهت‌بخش و مورد پرس‌وجو است (همان، ص ۳۲). از منظر زبان‌شناسی شناختی، این موضوع قابل توجه است. صاحب‌نظران این حوزه معتقدند که نظام استعاری ارتباط انسان با خویشتن بر تمایز بنیادین میان «فاعل» و «خود» استوار است. در این نظام، «فاعل» جنبه‌ای آگاه از وجود شخص و تجربه‌گر است، در حالی که «خویشتن» موجودیتی است که فاعل در انتخاب آن نقشی ندارد (لیکاف و جانسون، ۱۳۹۱، ج ۱، صص ۳۸۱-۳۸۵). رابطه انسان با خویشتن بر ارزیابی دیگران استوار است؛ از این‌رو، فرد می‌آموزد کنش‌های خود را با نقش‌های ارزشمند و بر اساس معیارهای نگاه جامعه هماهنگ کند (همان، ص ۳۹۴). این ارزیابی دوسویه است؛ به این معنا که قضاوت درباره شخصیت دیگران نیز بر اساس شباهت یا تفاوت آن‌ها با شخصیت فرد شکل می‌گیرد (Brown, 1998, p.134). از آنجا که رشد و تجلی «خویشتن» در بستر اجتماع رخ می‌دهد (ibid: p 133)، جنبه‌های تعامل اجتماعی بر فرآیند این رشد، قابلیت نگاشت دارد. در گفتار علوی، هنجارهای مبتنی بر شریعت اسلام، مبنای قضاوت جامعه دینی و تعاملات اجتماعی را شکل می‌دهند. در ادامه، انواع روابط اجتماعی فاعل انسان با خویشتن شرح داده شده است:

۳-۱. روابط مبتنی بر اهداف همگون^۱

در این نوع روابط، دو یا چند نفر با داشتن اهداف مشترک و مشابه به تعامل با یکدیگر می‌پردازند که همکاری، رشد و حمایت از ویژگی‌های بارز آن است (Kenneth, 2011, p 643). تقسیمات صورت‌گرفته از روابط انسان با خویشتن بر مبنای تطبیق

1. Relationships Based on Homogeneous Goals.

رهیافتهای نظریه فلسفه جسمانی ذهن لیکاف و جانسون بر الگوی تعاملات اجتماعی موجود در آثار جامعه‌شناختی است.

۳-۱-۱. رابطه والد-فرزندی^۱

این نوع رابطه بر پایه تقویت ارتباطات میان والدین و کودکان، شکل گرفته است و بر تقویت همبستگی خانوادگی و تأمین نیازهای فیزیکی، روحی، اجتماعی و عاطفی اعضای خانواده تأکید دارد. نوعی از رابطه انسان با «خود» بر اساس رابطه والد - فرزندی است که مسئولیت‌های زیادی برعهده دارد و کودک در سایه حمایت‌های او، قادر به ادامه حیات است (لیکاف و جانسون، ۱۳۹۷، ص ۳۹۶)؛ از جمله این مسئولیت‌ها، آموزش در مسیر جامعه‌پذیری است.

۳-۱-۲. رابطه خودمراقبتی^۲

خودمراقبتی، آن دسته از فعالیت‌ها و اعمال آگاهانه و هدفمند را دربرمی‌گیرد که انسان آن‌ها را به منظور حفظ سلامت جسمی، روانی و اجتماعی خویش انجام می‌دهد (قنبری و بهادری‌منفرد، ۱۳۹۹، ص ۵).

۳-۲. روابط مبتنی بر اهداف ناهمگون^۳

به‌هنگام ایجاد تمایز اساسی میان خود و دیگری، جهان اجتماعی بر حسب تفاوت‌ها ساخته می‌شود (Kenneth, 2011, p 644)؛ بنابراین، بر اساس اتخاذ رویکردهای مقابله با تفاوت‌ها یا پذیرش آن‌ها، روابط مبتنی بر کشمکش و سازگاری شکل می‌گیرد.

1. Parent Child Relationship.

2. Self-Care.

3. Relationships based on different goals.

۳-۲-۱. رابطه کشمکشی^۱

رابطه کشمکشی زمانی رخ می دهد که فرد، خود را در برابر انگیزه های متضاد ببیند. انتظارات، نیازها و ارزش ها، عوامل ایجاد اهداف متضاد هستند (Markus & Wurf, 1987, p308).

۳-۲-۲. رابطه مبتنی بر سازگاری^۲

سازگاری اجتماعی بر رعایت هنجارهای نظام ارزشی ریشه دار در فرهنگ استوار است (Brown, 1998, p. 149)؛ به همین دلیل، افراد برای پذیرش در جامعه و هماهنگی با این هنجارها تلاش می کنند. همچنین، نقش «آگاهی اجتماعی» در این فرآیند نباید نادیده گرفته شود. این آگاهی، بستری برای امنیت و پایداری اجتماعی فراهم می کند و اختلالات اجتماعی را کاهش می دهد (المحنک، ۲۰۱۴، ص ۴۱۹). افزون بر این، رواداری نسبت به دیگران از جنبه های کلیدی سازگاری اجتماعی است که به یکپارچگی و انسجام در اندیشه ها، ارزش ها و گرایش ها منجر می شود و رضایت حداکثری را در پی دارد. در این راستا، فدا کردن خواسته های فردی به نفع منافع جمعی، ویژگی برجسته این رابطه است (ابراهیم، ۲۰۱۴، ص ۲۰۹ و ۲۱۲). در گفتار علوی، این نوع رابطه با نادیده گرفتن خودخواهی های فردی و اولویت دادن به مصالح جامعه دینی شکل می گیرد.

۴. انواع استعاره های روابط انسان با خویشتن در گفتار علوی

با توجه به تمایز میان «فاعل» و «خویشتن»، نوع ارتباط انسان با اجتماع، خویشتن را به دو صورت «مستقل» یا «وابسته» تعریف می کند. خویشتن مستقل، ماهیتی فردگرا، منحصربه فرد و خودمختار دارد، در حالی که خویشتن وابسته در بستر جامعه و در ارتباط با گروه های دیگر شکل می گیرد (Brown, 1998, p.140). از این رو،

1. Conflict.

2. Adjustment.

خودپنداره دینی^۱ در چارچوب خویشتن وابسته قابل تعریف است (Nedim, 2007, p.1). خودپنداره‌ها معمولاً از طریق رفتارهای ناشی از روابط اجتماعی مرتبط با خویشتن بروز می‌یابند و به خودبازنمایی^۲ منجر می‌شوند (Markus & Wurf, 1987, p. 302). همچنین، خودپنداره می‌تواند بازتاب‌دهنده خویشتن واقعی یا خویشتن آرمانی باشد. بررسی‌های انجام‌شده در نهج‌البلاغه نشان می‌دهد که بازنمایی خویشتن با هدف ارائه الگویی آرمانی از رابطه انسان با خود از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در ادامه، به انواع این روابط اشاره خواهد شد.

۴-۱. روابط والد - فرزندی

در این نوع رابطه، میل به بهبود یا تغییر خود، توسعه، رشد و تحقق توانایی‌های بالقوه خویش، وجود دارد (Markus & Wurf, 1987, p314). در نهج‌البلاغه خودشناسی، مقدمه توسعه رشد شخصی معرفی شده است: «وَلَا يَجْهَلُ مَبْلَغَ قَدْرِ نَفْسِهِ فِي الْأُمُورِ فَإِنَّ الْجَاهِلَ بِقَدْرِ نَفْسِهِ يَكُونُ بِقَدْرِ غَيْرِهِ أَجْهَلَ» (نامه: ۵۳). «و منزلت و قدر خویش را بشناسد، همانا آنکه از شناخت قدر خویش عاجز باشد، در شناخت قدر دیگران جاهل‌تر است».

خودشناسی با مسئولیت‌پذیری رابطه‌ای مستقیم دارد. هرچه فرد به ارزش‌ها و توانمندی‌های خود آگاه‌تر باشد، با آگاهی بیشتری مسئولیت‌های متناسب با استعدادهایش را می‌پذیرد و در انجام آن‌ها موفقیت بیشتری کسب می‌کند (ابن میثم، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۱۶۷).

در گفتار علوی، پس از خودشناسی، پرورش خویشتن به‌عنوان گام بعدی مطرح می‌شود. در فرآیند خودپروری، کسب ارزش‌های معنوی مورد تأکید است: «مَنْ فَاتَهُ

1. Self-Concept.

2. Self-Representations.

حَسْبُ نَفْسِهِ، لَمْ يَنْفَعَهُ حَسْبُ آبَائِهِ» (حکمت: ۳۸۹). «کسی که ارزش خویش را از دست بدهد، بزرگی خاندانش او را سودی نخواهد رساند».

شارحان، «حسب» را ارزش وجودی انسان تعریف کرده‌اند (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۱۹، ص ۳۳۱-۳۳۲). این مفهوم، ساختاری عمیق و ایستاد دارد که از آن با عنوان «پایداری» یاد می‌شود (D. Ive & , Jeremy, 2019, p 1358). در هر دو نمونه فوق، ترکیب «مبلغ قدر» و «حسب» به حوزه مفهومی ارزشمندی اشاره دارند. در نگاه امام علی^(ع)، اگر فرد در کسب و نهادینه‌سازی ارزش‌ها در وجود خود کوتاهی کند، ارزشمندی نسبی او یاریگرش نخواهد بود. همچنین، راهبری دیگران از مسیر خودسازی و تعلیم خویش می‌گذرد: «وَمُعَلِّمٌ نَفْسِهِ وَمُؤَدِّبُهَا أَحَقُّ بِالْإِجْلَالِ مِنْ مُعَلِّمِ النَّاسِ وَمُؤَدِّبِهِمْ» (کلمات قصار: ۷۰) «کسی که خود را تعلیم دهد و ادب کند، به تعظیم سزاوارتر است نسبت به کسی که دیگری را تعلیم دهد و ادب بیاموزد».

فردی که جامه راهبری و تعلیم دیگران را بر تن دارد، در گام نخست باید تأدیب خویشتن را مورد توجه قرار دهد (بحر العلوم، ۱۹۸۶م، ج ۱، ص ۳۵۹)؛ از این‌رو در این مسیر باید به خود مشغول شود: «وَلَهُمَّتْ كُلَّ أَمْرٍ مِنْكُمْ نَفْسُهُ لَا يَلْتَفِتُ إِلَى غَيْرِهَا» (خطبه: ۱۱۶). «و هر کدام از شما تنها به کار خود می‌پرداختید، و به دیگری توجهی نداشتید». در این صورت، مردم با دیدن کردارش، پذیرای گفتارش می‌شوند و او شایستگی رهبری را خواهد داشت.

مشورت کردن از جمله اقداماتی است که والدین با هدف جامعه‌پذیری فرزند و اتخاذ تصمیم‌هایی بهینه برای تحقق اهداف انجام می‌دهند: «لِأَنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا أَرَادَ أَنْ يَتَكَلَّمَ بِكَلَامٍ تَدَبَّرَهُ فِي نَفْسِهِ» (خطبه: ۱۷۵). «زیرا مؤمن هرگاه بخواهد سخنی گوید، نخست می‌اندیشد».

مسئولیت خودوالدی مؤمن ایجاب می‌کند که فرد پیش از سخن گفتن، با تأمل در اندیشه خود، کلامش را بسنجد، پیامدهای آن را ارزیابی کند و سپس آن را بیان

نماید. در نمونه بالا، انسان مؤمن به‌عنوان فاعلی معرفی می‌شود که با خود مشورت می‌کند. نکته کلیدی این است که خویشتن انسان مؤمن، بسان انسانی کامل توصیف شده که از طریق ریاضت‌های معنوی از کاستی‌ها و کژی‌ها پاک شده و به معیاری قابل‌اعتماد تبدیل شده است. این رابطه در شکل‌گیری خودپنداره مثبت نقش بسزایی دارد. در همه این نمونه‌ها، حوزه‌های مقصد «توجه»، «تقوای الهی» و «ژرفاندیشی» از طریق حوزه‌های مبدأ، یعنی تعلیم و تأدیب نفس، خودسازی و تدبیر، برجسته شده‌اند.

۴-۲. خودمراقبتی

ابعاد و سطوح خودمراقبتی در نهج‌البلاغه از گستردگی قابل توجهی برخوردار است. خودمراقبتی عاطفی که از انواع خودمراقبتی روانی به‌شمار می‌رود، به خودسازی و رشد شخصی منجر می‌شود (Markus & Wurf, 1987, p314). تلاش برای ایجاد شرایط مناسب و پرهیز از موقعیت‌های نامناسب، اساس این نوع خودمراقبتی را تشکیل می‌دهد. نشاط، یکی از جلوه‌های خودمراقبتی عاطفی به‌شمار می‌آید: «لِلْمُؤْمِنِ ثَلَاثُ سَاعَاتٍ فَسَاعَةٌ يُنَاجِي فِيهَا رَبَّهُ وَسَاعَةٌ يَرْمُ مَعَاشَهُ وَسَاعَةٌ يُخَلِّي بَيْنَ نَفْسِهِ وَبَيْنَ لَذَّتِهَا فِيمَا يَحِلُّ وَيَجْمُلُ» (کلمات قصار: ۳۸۲). «مؤمن باید شبانه‌روز خود را به سه قسم تقسیم کند؛ زمانی برای نیایش و عبادت پروردگار، بخشی برای تأمین هزینه زندگی و قسمی برای واداشتن نفس به لذت‌هایی که حلال و مایه زیبایی است».

نشاط درونی، زمینه‌ساز انجام بهینه فعالیت‌های اجتماعی است و در روان‌شناسی به‌عنوان خودانگیختگی شناخته می‌شود. انسان خودانگیخته با استقامت بیشتری در برابر چالش‌ها ایستادگی می‌کند (کامکار؛ سیدموسوی؛ طباطبایی و خرامین، ۱۴۰۰، ص ۷۱۴)؛ از این‌رو اختصاص زمان به دعا و سرگرمی‌های حلال، پیش و پس از فعالیت‌های کاری از عوامل تقویت خودانگیختگی است. این اقدامات در راستای

کاهش فشار روانی، افزایش اعتماد به نفس و انتخاب رویکردی مؤثر برای مقابله با اضطراب کمک می‌کنند. در این مثال، حوزه مبدأ «اختصاص زمان به خویشتن» بر حوزه مقصد «خوددوستی» نگاشت شده است.

در گفتار حضرت علی^(ع)، پنددادن به خود از رفتارهای خودمراقبتی است: «وَمَنْ كَانَ لَهُ مِنْ نَفْسِهِ وَاعِظَ كَانَ عَلَيْهِ مِنَ اللَّهِ حَافِظًا» (کلمات قصار: ۸۷). «کسی که از درون جان واعظی دارد، خدا حافظ او است».

بنابر نظریه «عقل محافظ»، نخستین وظیفه عقل سلیم، مراقبت و صیانت از انسان در برابر بی‌پروایی‌ها است. امام علی^(ع) این عقل را «واعظ» نام نهاده است که نشان می‌دهد، پندها و اندرزها بی‌فایده هستند تا زمانی که بر جان انسان اثری نیکو نداشته باشند (معنیة، ۱۹۷۹م، ج ۴، ص ۲۶۸). از منظر زبان‌شناسی شناختی، واعظ همان فاعل مؤمن است که بی‌توجهی به آن، محرومیت از نعمت هستی را در پی دارد: «وَاعْلَمُوا أَنَّهُ مَنْ لَمْ يُعْنِ عَلَى نَفْسِهِ حَتَّى يَكُونَ لَهُ مِنْهَا وَاعِظٌ وَزَاجِرٌ لَمْ يَكُنْ لَهُ مِنْ غَيْرِهَا زَاجِرٌ وَلَا وَاعِظٌ» (خطبه: ۸۹). «بدانید همانا کسی که خود را یاری نکند و پند دهنده و هشداردهنده خویش نباشد، دیگری هشداردهنده و پنددهنده او نخواهد بود»، البته در مسیر چیرگی بر نفس، توفیق الهی اهمیت شایان توجهی دارد (نواب لاهیجی، بی‌تا، ج ۱، ص ۸۸). در این نمونه‌ها، کنش «وعظ کردن» بر حوزه مفهومی «خیرخواهی» نگاشت شده است.

خودمراقبتی با استعاره خویشتن محلی نمایانده و خود در قالب ظرف یا مکان مفهوم‌سازی می‌شود (لیکاف و جانسون، ۱۳۹۴، ص ۳۹۰)؛ برای مثال، تهذیب نفس در نهج البلاغه، کم کردن آمال و یادآوری واقعه مرگ است که از آن با عبارت «فَقَرَّبَ عَلَى نَفْسِهِ الْبَعِيدَ» یاد شده است (خطبه: ۸۶)؛ بنابراین، نفس، محلی است که فاعل مؤمن یعنی همان احساس آگاه، یاد مرگ را به آن مقصد نزدیک می‌کند. «وَمَنْ اسْتَهَانَ بِالْأَمَانَةِ وَرَزَعَ فِي الْخِيَانَةِ وَلَمْ يَنْزُهُ نَفْسَهُ وَدِينَهُ عَنْهَا فَقَدْ أَحَلَّ بِنَفْسِهِ فِي الدُّنْيَا الدَّلَّ وَالْخِزْيَ» (نامه: ۲۶). «کسی که امانت الهی را خوار شمارد و دست به خیانت

آلوده کند، خود و دین خود را پاک نساخته و درهای خواری را در دنیا به روی خود گشوده است». در عبارت «أَحَلَّ بِنَفْسِهِ فِي الدُّنْيَا الْدُلَّ وَالْحَزِيَّ» انسان اهمال‌کار در امانت‌داری، فاعلی است که نفس را بستر و محل رشد ذلت و خواری قرار می‌دهد؛ از این‌رو حوزه مقصد «پذیرش» به وسیله حوزه مبدأ «مکان» به تصویر کشیده شده است.

افزون بر خویشتن‌محلی، مفهوم تملک نیز در ساختار استعاری رابطه خودمراقبتی کاربرد دارد: «مَنْ وَضَعَ نَفْسَهُ مَوَاضِعَ التُّهْمَةِ فَلَا يَلُومَنَّ مَنْ أَسَاءَ بِهِ الظَّنَّ» (حکمت: ۱۵۹): «کسی که خود را در جایگاه تهمت قرار داد، نباید جز خود را نکوهش کند». این مثال بر اساس ساختار استعاری «کنترل خود، تملک یک جسم است» ساخته می‌شود و خود در قالب انسانی نگاشت شده که مورد اتهام است. حوزه مقصد «عدم کنترل‌گری» با حوزه مبدأ «متهم شدن»، مفهوم‌سازی شده است.

۳-۴. رابطه کشمکشی

همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، رابطه کشمکشی از حضور فرد در موقعیت‌های متعارض ایجاد می‌شود. در نهج‌البلاغه، فرازهایی گوناگون از رویارویی «من» انسان در برابر نفس به تصویر کشیده شده است. آنچه در باور دینی، نفس اماره نامیده می‌شود، در چارچوب رابطه کشمکشی میان افراط در دنیاطلبی و آخرت‌خواهی قرار دارد: «إِنْ اسْتَضَعَبَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ فِيمَا تَكَرَّرَ لَمْ يُعْطِهَا سُؤْلَهَا فِيمَا تُحِبُّ قُرَّةُ عَيْنِهِ فِيمَا لَا يَزُولُ وَزَهَادَتُهُ فِيمَا لَا يَبْقَى» (خطبه: ۱۹۳). «اگر نفس او [مؤمن] در آنچه دشوار است فرمان نبرد، از آنچه دوست دارد محروم می‌کند. روشنی چشم پرهیزگار در چیزی قرار دارد که جاودانه است و آن را که پایدار نیست، ترک می‌کند». در این مثال، استعاره نیرو-پویایی^۱ وجود دارد؛ بنابراین، فاعل و خویشتن دو هستی نیرومند هستند که هریک بر دیگری نیرو وارد می‌کند (کوچش، ۱۳۹۵، ص ۳۵۱). با توجه به

1. Force-dynamics.

میزان تقابل من فاعل و خویشتن، طرح‌واره نیرو-پویایی در قالب سه نوع رابطه کشمکی مبتنی بر روی‌آوری، اجتناب و روی‌آوری - اجتناب نمایانده می‌شود. در گفتار علوی، اساس خواهش‌های نفسانی مطلوب، همسو بودن با رضایت الهی است. مثال مذکور، نمونه‌ای برجسته از ناهمسویی اهداف من فاعل و خویشتن است که در آن سرکشی کردن نسبت به خود بر حوزه مقصد تخصم نگاشت شده است (برای شرح این خطبه، نک: مجلسی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۳۶۷؛ موسوی، ۱۳۷۶، ج ۳، ص ۳۶۳-۳۶۴).

۴-۳-۱. رابطه کشمکی مبتنی بر روی‌آوری

در تعارض مبتنی بر روی‌آوری، فرد به دنبال دستیابی به دست کم دو هدف مطلوب است که موفقیت در یکی، به ناکامی در دیگری منجر می‌شود: «مَنْ كَرُمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ، هَانَتْ عَلَيْهِ شَهْوَاتُهُ» (حکمت: ۴۴۹). «کسی که خود را گرامی دارد، هوا و هوس را خوار شمارد». حفظ کرامت نفس و پرداختن به لذات دنیوی، اهداف دلخواهی هستند که انتخاب هریک، ناکامی در دیگری را در پی دارد. در این نمونه، حوزه مبدأ اکرام نفس بر حوزه مقصد اهمیت دادن، نگاشت شده است.

«وَلَوْ تَعْلَمُونَ مَا أَعْلَمَ مِمَّا طَوِيَ عَنْكُمْ غَيْبُهُ إِذَا لَجَرَجْتُمْ إِلَى الصُّعَدَاتِ تَبْكُونَ عَلَى أَعْمَالِكُمْ وَ تَلْتَدِمُونَ عَلَى أَنْفُسِكُمْ» (خطبه: ۱۱۶): «مردم اگر شما همانند من از آنچه بر شما پنهان است با خبر بودید، از خانه‌ها کوچ می‌کردید، در بیابان‌ها سرگردان می‌شدید و بر کردارتان اشک می‌ریختید و چونان زنان مصیبت دیده بر سر و سینه می‌زدید».

نمونه فوق نشان می‌دهد که افراط در دنیاطلبی یا آخرت‌خواهی، دنیا و آخرت را به اهدافی متضاد تبدیل می‌کند. نادیده گرفتن اصل میانه‌روی و غرق شدن در هر یک از این دو سویه متضاد، به محرومیت از نعمت‌های دیگری منجر می‌شود. در این عبارت، کنش «آسیب رساندن به خود» به‌عنوان حوزه مبدأ، بر حوزه مقصد «خودتحقیری» نگاشت شده است.

۴-۳-۲. رابطه کشمکشی مبتنی بر اجتناب

در وضعیت کشمکش مبتنی بر اجتناب، فرد ناگزیر است یکی از رویکردهای نامطلوب را برگزیند؛ بنابراین نیرو از «من» فاعل بر خویشتن به صورت یک‌سویه منتقل می‌شود: «فَقَالَ مَا لَقِيتُ أَحَدًا إِلَّا أَعَانَنِي عَلَى نَفْسِهِ» (کلمات قصار: ۳۱۰): «کسی را ندیدم جز آن که مرا در شکست خود یاری می‌داد».

از دیدگاه زبان‌شناسی شناختی، اصرار فرد بر دنیاطلبی را می‌توان نوعی اعمال نیرو برای تداوم انحراف تلقی کرد. بر این اساس، استعاره «کنترل خود، حرکت اجباری جسم است» شکل می‌گیرد. این اعمال نیرو در جهتی نادرست بوده و از پشتوانه عقل واعظ بی‌بهره است. در نتیجه، فرد اعمالی متضاد با خویشتن و در مسیری مخالف حق انجام می‌دهد. بر این اساس، حضرت علی^(ع) در عبارت بالا به این مقصود اشاره دارد که دشمنان ایشان - به‌عنوان نماد حق - با دو گزینه روبرو هستند: کشته شدن یا پذیرش شکست. اگر آن‌ها از مرگ بگریزند، به دلیل اصرار بر دشمنی خود که به باور شارحان ریشه در ترس دارد (مغنیة، ۱۹۷۹م، ج ۴، ص ۴۱۰)، به سوی شکست گام برمی‌دارند.

«وَأَكْرَمَ نَفْسِكَ عَنْ كُلِّ دَنِيَّةٍ وَإِنْ سَاقَتَكَ إِلَى الرَّغَائِبِ فَإِنَّكَ لَنْ تُعْتَاَصَ بِمَا تَبْدُلُ مِنْ نَفْسِكَ عَوَضًا» (نامه: ۳۱): «نفس خود را از هر گونه پستی بازدار، هرچند تو را به اهداف رساند؛ زیرا نمی‌توانی به اندازه آبرویی که از دست می‌دهی، بهایی به دست آوری». یکی از رویکردهای نامطلوب، مقاومت در برابر پستی‌ها و دیگری فدا کردن آبروی انسانی به بهای دستیابی به خواسته‌ها است. در این راستا، فعل «أكرم عن» به معنای حفظ کرامت، به حوزه مفهومی «مانعت کردن» نگاشت شده است.

بدبینی انسان نسبت به خویشتن نمونه بارز خودپنداره دینی مبتنی بر کشمکش اجتنابی است که در آن، من مؤمن خود را در جایگاه گناهکار قرار می‌دهد: «وَأَعْلَمُوا عِبَادَ اللَّهِ أَنَّ الْمُؤْمِنَ لَا يُمْسِي وَلَا يُصْبِحُ إِلَّا وَنَفْسُهُ طُنُونٌ عِنْدَهُ فَلَا يَزَالُ زَارِيًا عَلَيْهَا وَمُسْتَزِيدًا لَهَا» (خطبه: ۱۷۶): «بدانید، ای بندگان خدا، مؤمن شب را به روز و روز را

به شب نمی‌آورد مگر آنکه به نفس خویش بدگمان است و پیوسته بر او عیب می‌گیرد و از طاعت حق، افزون‌تر از آنچه به جای آورده است، از او می‌طلبد».

شارحان، «ظن» را به معنای متهم دانستنِ نفس مؤمن از سوی خویشتن تفسیر کرده (ابن‌میثم، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۳۵۴) و برای توضیح آن از تمثیل «ظنون البئر» بهره برده‌اند. بر این اساس، مؤمن همواره در حالتی از حذر و هوشیاری کامل نسبت به خود به سر می‌برد تا مبادا مرتکب کوچک‌ترین خطایی شود؛ مانند کسی که در کنار چاهی کم‌آب، هر لحظه بیم خشکیدن آن را دارد (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۱۰، ص ۱۸). در حقیقت، آلوده شدن به گناه و متهم شمردن خویش، هر دو، اموری نامطلوب هستند؛ اما مؤمن برای در امان ماندن از گناه، ناگزیر به گزینش راه دوم (خوداتهام‌زنی) است. در این فرایند، حوزه‌های مبدأ «عیب‌جویی» و «زیاده‌خواهی»، بر حوزه مقصد «اجبار» نگاشت شده‌اند.

۳-۳-۴. رابطه کشمکشی مبتنی بر روی‌آوری - اجتناب

در رابطه کشمکشی مبتنی بر روی‌آوری - اجتناب، دستیابی به هدف با آسیب‌ها و مضراتی همراه است: «إِنَّمَا أَنْتَ كَالطَّاعِنِ نَفْسُهُ لِيَقْتُلَ رِدْفَهُ» (کلمات قصار: ۲۸۸): «تو مانند کسی هستی که نیزه در بدن خود فرو می‌برد تا دیگری را که در کنارش است بکشد». عبارت بالا، خطاب به کسی است که روش مبارزه با دشمن را نمی‌داند و پیش از غلبه بر حریف، به خود آسیب می‌رساند. در این نمونه، حوزه مبدأ «فرو بردن نیزه» بر حوزه مفهومی «متضرر ساختن»، نگاشت شده است.

طمع‌ورزی، نمونه‌ای دیگر از رابطه کشمکشی روی‌آوری - اجتناب است: «أُزْرَى بِنَفْسِهِ مَنِ اسْتَشَعَرَ الطَّمَعِ» (کلمات قصار: ۲): «آن که جان را با طمع ورزی ببوشاند، خود را پست کرده است». افراط در برآوردن نیازهای اولیه، ریشه در حس ترس از محرومیت دارد (عویضة، ۱۹۹۶م، ص ۲۳۲). در حکمت ۲۶۹، این حس و نتیجه عملکرد ناشی از آن شرح داده شده است: «النَّاسُ فِي الدُّنْيَا عَامِلَانِ عَامِلٌ عَمِلَ فِي الدُّنْيَا لِلدُّنْيَا قَدْ شَعَلَتْهُ دُنْيَاهُ عَنْ آخِرَتِهِ يَخْشَى عَلَى مَنْ يَخْلُفُهُ الْفَقْرَ وَ يَأْمَنُهُ عَلَى

نَفْسِهِ». یعنی «مردم در دنیا دو گونه کار می‌کنند؛ یکی در دنیا، برای دنیا کار می‌کند و دنیا چنان‌که به خود مشغول داشته که به آخرتش نمی‌پردازد و می‌ترسد که بازماندگانش گرفتار فقر شوند و حال آنکه، خود از دنیا در امان است». «طمع» حالتی پایدار از کشمکش درونی فرد برای غلبه بر احساس محرومیت است که به ذلت و خواری او می‌انجامد. انسان طماع، هرچند به متاع دنیوی دست یابد، عزت نفس خود را از دست می‌دهد.

«إِنَّ أَعْيُنَهُمْ لِنَفْسِهِ أَعْيَانُهُمْ لِرَبِّهِ وَالْمَغْبُوتُونَ مَنْ غَبَنَ نَفْسَهُ» (خطبه: ۸۵): «کسی که خویشتن را بیشتر می‌فریبد، نزد خدا گناه‌کارترین انسان‌ها است، زیانکار واقعی کسی است که خود را بفریبد».

کلمه «غش» به معنای ناخالصی و آلودگی دل اشاره دارد. منظور از غش، جلب شر و زیان برای خویشتن است که تنها از طریق عصیان در برابر خداوند پدید می‌آید (ابن‌میثم، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۲۸۴). عصیان، به معنای نافرمانی از اوامر الهی است و اعمالی با منشأ درونی مانند فخر، حسد، ریا و خیانت را در بر می‌گیرد. در نمونه‌های یادشده، خواری ناشی از طمع و سرکشی، حوزه‌های مبدأ هستند که بر حوزه مقصد «عدم کنترل» نگاشت شده‌اند.

۴-۴. رابطه سازگاری

در رابطه‌ای کشمکشی، اعمال قدرت و مقاومت به‌طور هم‌زمان از سوی فاعل و خویشتن بروز می‌یابد. از این‌رو، مؤمن برای پایان دادن به این کشمکش درونی و رسیدن به حالتی پایدار، ناگزیر است یکی از سویه‌های متضاد را که مبتنی بر اقتدار الهی است برگزیند تا به خودتنظیمی دست یابد. اقتدار الهی از طریق عبودیت خداوند حاصل می‌شود (بشیر، ۱۳۹۷، ص ۸۵۱). در این راستا، رابطه فاعل با خویشتن بر پایه الهیات قدرت شکل می‌گیرد که از تبلور «شکوه منعکس‌شده»^۱ جلوگیری می‌کند

1. Reflected glory.

(Brown, 1998, p. 150) منظور از شکوه منعکس شده، شأن بازنمایی شده‌ای است که وجوه و امتیازات مثبت خویشتن را نشان می‌دهد و جلب توجه می‌کند. در رابطه‌ای سازگار، خویشتن مطابق با اراده فاعل عمل می‌کند (لی، ۱۳۹۷ش، ص ۱۷۱). چنان‌که در خطبه ۱۷۶ آمده است: «طُوبَى لِمَنْ شَغَلَهُ عَيْبُهُ عَنْ عُيُوبِ النَّاسِ فَكَانَ مِنْ نَفْسِهِ فِي شُغْلٍ وَ النَّاسُ مِنْهُ فِي رَاحَةٍ»؛ یعنی: «خوشا به حال کسی که پرداختن به عیب خود، او را از عیب‌جویی دیگران بازدارد و مردم از او در آسایش باشند».

همان‌گونه که بیان شد، نادیده گرفتن یا کم‌اهمیت شمردن خواسته‌های یکی از طرفین، پایه رابطه‌ای سازگار است. مثال پیشین، نمونه‌ای از خویشتن سازگار با «من» فاعل مؤمن است؛ زیرا تمرکز بر تهذیب نفس، که از دیدگاه شناختی به معنای مهار خویشتن است، به تواضع انسان می‌انجامد. چنین فردی حضورش مایه آرامش دیگران است و می‌تواند ضمن تقویت رابطه خود با دیگران، دیدگاه و رفتار آنان را نسبت به خود تعدیل کند و از واکنش‌های منفی‌شان بکاهد.

براساس یافته‌های این پژوهش، نمونه‌های نشان‌دهنده سازگاری در دو دسته مستقیم و غیرمستقیم و در حوزه‌های مفهومی کنترل‌گری، عدالت‌خواهی، فرمان‌برداری، حساب‌گری، ایثار و حس مسئولیت بررسی می‌شوند. زبان اقتدار در نوع اول رابطه سازگار، بر استفاده از عباراتی استوار است که مفهوم اجبار را منتقل می‌کنند، در حالی که نوع دوم شامل شگردهای بیانی است که با رضایت خویشتن همراه است.

۴-۴-۱. سازگاری مبتنی بر اقتدار مستقیم

در خطبه ۲۳۷ نهج‌البلاغه نمونه اقتدار مستقیم را مشاهده می‌کنیم: «إِمْرُؤُ حَافَ اللَّهُ وَهُوَ مُعَمَّرٌ إِلَىٰ أَجَلِهِ وَمَنْظُورٌ إِلَىٰ عَمَلِهِ إِمْرُؤٌ لَجِمَ نَفْسَهُ بِلِجَامِهَا وَزَمَّهَا بِزِمَامِهَا فَأَمْسَكَهَا بِلِجَامِهَا عَنْ مَعْاصِي اللَّهِ وَقَادَهَا بِزِمَامِهَا إِلَىٰ طَاعَةِ اللَّهِ»؛ «انسان باید از خدا بترسد؛ زیرا تا لحظه مرگ به او فرصت داده شده است و مهلت عمل نیکو دارد. انسان باید

نفس را مهار زند و آن را در اختیار گرفته از طغیان و گناهان باز دارد و زمام آن را به سوی اطاعت پروردگار بکشاند».

در این نمونه، منزلت شخص در حوزه مبدأ تا حد جسم تنزل یافته و «من» مؤمن ناگزیر است برای هدایت «نفس» در مسیر درست، اعمال قدرت کند. این تلاش در هم‌نشینی عبارات «لَجِمَ نَفْسَهُ»، «زَمَّهَا بِزِمَامِهَا»، «أَمْسَكَهَا بِلِجَامِهَا» و «قَادَاهَا بِزِمَامِهَا» در محور افقی، تصویری حرکتی-قدرتی را در فرآیند سازگاری نفس با امر الهی ایجاد کرده است.

نمونه دیگر، خطبه ۸۶ در وصف مؤمنان است: «قَدْ أَلَزَمَ نَفْسَهُ الْعَدْلَ» (خطبه: ۸۶)؛ یعنی: «خود را به رعایت عدالت ملزم کرده است». پس از مهار نفس، متعهد ساختن آن به عدالت، از اصول پرهیزگاران است. این الزام، نشان‌دهنده تسلط «من» فاعل بر خویشتن است؛ زیرا از منظر شناختی، تعهد به انجام کاری با کنش اعمال نیرو و هم‌خوانی دارد. گاهی این تسلط به درهم شکستن نفس می‌انجامد: «وَأَمَرَهُ أَنْ يَكْسِرَ نَفْسَهُ عِنْدَ الشَّهَوَاتِ» (نامه: ۵۳)؛ یعنی: «به او فرمان می‌دهد تا نفس خود را از پیروی هوس‌ها بازدارد». در این نمونه، «شکستن» بر حوزه مفهومی «امتناع» نگاشت و نفس انسان به صورت جسمی شککننده و آسیب‌پذیر تصویر شده است.

۴-۲. سازگاری مبتنی بر اقتدار غیر مستقیم

همان‌طور که اشاره شد، در این نوع سازگاری، مفهوم «رضایت» در کنار پذیرش اجبار، برجستگی دارد: «يَا بَنِيَّ اجْعَلْ نَفْسَكَ مِيزَانًا فِيمَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ غَيْرِكَ فَأَحْبِبْ لِعَيْرِكَ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ وَاسْتَقْبِحْ مِنْ نَفْسِكَ مَا تَسْتَقْبِحُ مِنْ غَيْرِكَ» (نامه: ۳۱). «ای پسر من نفس خود را میزانی میان خود و دیگران قرار ده، پس آنچه را که برای خود دوست داری، برای دیگران نیز دوست بدار و آنچه را که برای خود نمی‌پسندی، برای دیگران می‌پسند».

مفهوم انسجام در رابطه سازگار مبتنی بر اقتدار غیرمستقیم بیشترین تجلی را دارد. در استعاره فوق، حوزه مبدأ «میزان» بر حوزه مفهومی «عدالت‌خواهی» نگاشت شده و خویشتنی منسجم را نشان می‌دهد؛ خویشتنی که توانایی درک^۱ نیازهای دیگران را دارد و در راستای رفع آن‌ها، میان خود و دیگری تفاوتی نمی‌بیند.

مدیریت^۲، یکی از مؤلفه‌های خویشتن منسجم است که به فرد امکان می‌دهد کیفیت اعمال خود را در راستای رضایت الهی ارزیابی کند: «مَنْ حَاسَبَ نَفْسَهُ رِيحٌ وَمَنْ غَفَلَ عَنْهَا خَسِرٌ» (حکمت: ۹۹): «کسی که از خود حساب‌کشی کند، سود می‌برد و کسی که از آن غفلت ورزد، زیان می‌بیند». در این نمونه، واژه «حاسب» با «ریح» هم‌نشین شده و نشان می‌دهد که حساب‌کشی از خویشتن با سود و منفعت همراه است.

همچنین، در عبارت «وَأَعْلَمُ أَنَّ أَفْضَلَ الْمُؤْمِنِينَ أَفْضَلُهُمْ تَقْدِمَةً مِنْ نَفْسِهِ وَأَهْلِهِ وَمَالِهِ» (نامه: ۶۹): «بدان که برترین مؤمنان کسی است که جان، خاندان و مال خود را در راه خدا پیشکش کند»، واژه «تقدمه» به معنای «پیشکشی» بر حوزه مفهومی «ایثار» نگاشت شده و سازگاری مبتنی بر اقتدار غیرمستقیم را بازتاب می‌دهد.

نباید از نظر دور داشت که در سطوح بالای سازگاری، عواطف مؤمن نیز در راستای اهداف الهی جهت می‌گیرند: «مَا شَكَكْتُ فِي الْحَقِّ مُذْ أَرَيْتُهُ لَمْ يُوَجِّسْ مُوسَى (ع) خَيْفَةً عَلَى نَفْسِهِ أَشْفَقَ مِنْ غَلْبَةِ الْجَهَالِ وَدُولِ الضَّلَالِ» (خطبه: ۴): «از زمانی که حق به من نشان داده شد، هرگز در آن تردید نکردم. کناره‌گیری من مانند حضرت موسی (ع) در برابر ساحران است که از خود بیم نداشت، بلکه از پیروزی جاهلان و سلطه گمراهان هراس داشت». امام علی (ع) با استناد به آیه ۶۷ سوره مبارکه طه^۳، از ترس خود برای سرنوشت جامعه سخن گفته است. بسیاری از مفسران، ترس حضرت موسی (ع) را خوفی طبیعی ناشی از سحر ساحران دانسته‌اند (جرجانی، ۱۴۳۰ق، ج ۲،

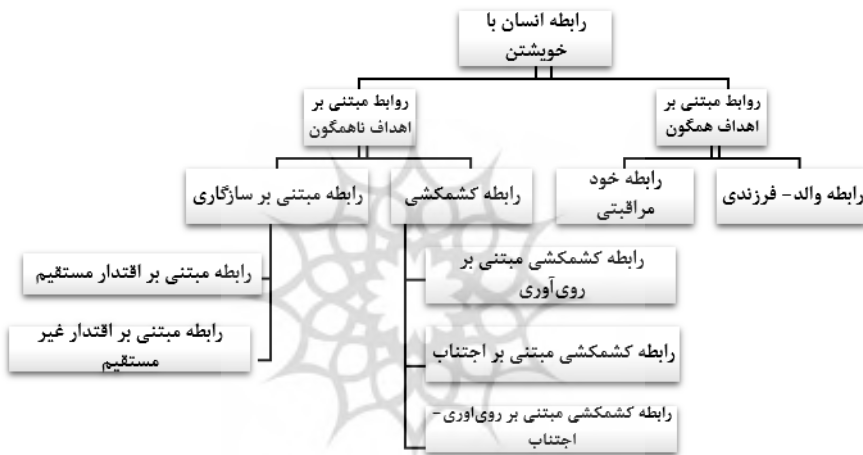
1. Cmprehensibility.

2. Manageability.

۳. «أَوْجَسَ فِي نَفْسِهِ خَيْفَةً مُوسَى» (طه: ۶۷)

ص ۲۹۱؛ میبدی، ۱۳۷۱، ج ۶، ص ۱۴)؛ اما تفسیر حضرت علی^(ع) این است که موسی^(ع) از گمراهی و چیرگی نادانی بر مردم نگران بود. این برداشت در برخی تفاسیر بعدی نیز دیده می‌شود (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۳۳). در این نمونه، احساس «ترس» بر حوزه مفهومی «احساس مسئولیت نسبت به سرنوشت جامعه» نگاشت شده است

نمودار شماره ۱: بازنمایی شناختی روابط انسان با خویشتن در نهج البلاغه



جدول شماره ۱: استعاره‌های مفهومی رفتار انسان با خویشتن

عبارت استعاری در روایت	حوزه مبدأ	حوزه مقصد
و لَا يَجْهَلُ مَبْلَغَ قَدْرِ نَفْسِهِ مَنْ فَاتَهُ حَسَبُ نَفْسِهِ، لَمْ يَنْفَعَهُ حَسَبُ آبَائِهِ	حد و اندازه	ارزشمندی
و مُعَلِّمٌ نَفْسِهِ وَ مُؤَدِّبُهَا أَحَقُّ بِالِاجْلَالِ	آموزشگری و تأدیب	اهمیت و توجه
وَلَهَمَّتْ كُلُّ امْرِيٍّ مِنْكُمْ نَفْسَهُ لَا يَلْتَفِتُ إِلَىٰ غَيْرِهَا	مشغول بودن به کار خویش	تقوای الهی
لِإِنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا أَرَادَ أَنْ يَتَكَلَّمَ بِكَلَامٍ تَدَبَّرَهُ فِي نَفْسِهِ فَإِنْ كَانَ خَيْرًا أَبْدَاهُ وَ إِنْ كَانَ شَرًّا وَارَاهُ	تدبر با خویشتن	ژرف اندیشی

خود دوستی	وقت سرگرمی را با خود سپری کردن	لِلْمُؤْمِنِ ثَلَاثٌ سَاعَاتٍ فَسَاعَةٌ يُتَاجَى فِيهَا رَبُّهُ وَ سَاعَةٌ يَرُومُ مَعَاشَهُ وَ سَاعَةٌ يُحَلِّي بَيْنَ نَفْسِهِ وَ بَيْنَ لَدُنَّهَا فِيمَا يَحِلُّ وَ يَجْمَلُ
خیرخواهی	خود را پند دادن	وَ مَنْ كَانَ لَهُ مِنْ نَفْسِهِ وَاعِظٌ كَانَ عَلَيْهِ مِنَ اللَّهِ حَافِظٌ
پذیرش ذلت و خواری	خود را بستر و جایگاه خواری ساختن	أَحَلَّ بِنَفْسِهِ فِي الدُّنْيَا الدَّلَّ وَ الْحَزِيَّ
عدم محافظت	خود را در معرض اتهام قرار دادن	مَنْ وَضَعَ نَفْسَهُ مَوَاضِعَ التَّهْمَةِ فَلَا يَلُومَنَّ مَنْ أَسَاءَ بِهِ الظَّنَّ
تخاصم با خود	سرکشی کردن	إِنْ اسْتَضَعَبَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ فِيمَا تَكَرَّرَ لَمْ يُعْطِهَا سُؤْلَهَا فِيمَا تَحِبُّ فِرَّةً عَيْنِهِ
اهمیت دادن	بزرگداشت خود	مَنْ كَرَّمَتْ عَلَيْهِ نَفْسَهُ، هَانَتْ عَلَيْهِ شَهْوَاتُهُ
خودتحقیری	خودزنی	وَ تَلْتَدِمُونَ عَلَى أَنْفُسِكُمْ
تخاصم با خویشان	علیه خود اقدام کردن	فَقَالَ مَا لَقِيتُ أَحَدًا إِلَّا أَعَانَنِي عَلَى نَفْسِهِ
اجتناب کردن	دور نگهداشتن نفس از پستی	وَأَكْرِمِ نَفْسَكَ عَنْ كُلِّ دَنِيَّةٍ
آسیب زدن اجبار کردن	عیب جویی زیاده خواهی	أَنَّ الْمُؤْمِنَ لَا يُمَسِّي وَلَا يُصْبِحُ إِلَّا وَ نَفْسُهُ ظَنُونٌ عِنْدَهُ فَلَا يَزَالُ زَارِيًا عَلَيْهَا وَ مُسْتَزِيدًا لَهَا
آسیب زنده	فرورنده نیزه	إِنَّمَا أَنْتَ كَالطَّاعِنِ نَفْسَهُ لِيَقْتُلَ رِدْفَهُ
عدم کنترل	خوار کردن خود	أَزْرَى بِنَفْسِهِ مَنْ اسْتَشَعَرَ الطَّمَعِ
عدم کنترل	به خود خیانت کردن	إِنَّ أَعْسَهُمْ لِنَفْسِهِ أَعْصَاهُمْ لِرَبِّهِ وَ الْمَعْبُودُونَ مَنْ عَبَنَ نَفْسَهُ
خود را مهار	به خود مشغول بودن	فَكَانَ مِنْ نَفْسِهِ فِي شُغْلٍ وَ النَّاسُ مِنْهُ فِي رَاحَةٍ
خویشترداری	خود را مهار کردن	ساز / امروؤ لَجِمَ نَفْسَهُ بِلِجَامِهَا وَ زَمَهَا بِرِمَامِهَا فَأَمْسَكَهَا بِلِجَامِهَا عَنْ مَعَاصِي اللَّهِ وَ قَادَهَا بِرِمَامِهَا
نیرو وارد کردن	الزام کردن	فَدَا الزَّوْمَ نَفْسَهُ الْعَدْلَ فَكَانَ أَوَّلَ عَدْلِهِ نَفْيَ الْهَوَى عَنْ نَفْسِهِ
امتناع کردن	(خواستنه) خود را شکستن	وَأَمْرُهُ أَنْ يَكْسِرَ نَفْسَهُ عِنْدَ الشَّهَوَاتِ
عدالت خواهی	خود را میزان قرار دادن	إِجْعَلْ نَفْسَكَ مِيزَانًا فِيمَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ غَيْرِكَ
اهمیت دادن	حساب کشی کردن	مَنْ حَاسَبَ نَفْسَهُ رِيحٌ وَ مَنْ غَفَلَ عَنْهَا حَسِيرٌ
ایثار	پیشکش کردن	وَاعْلَمْ أَنَّ أَفْضَلَ الْمُؤْمِنِينَ أَفْضَلُهُمْ تَقْدِمَةً مِنْ نَفْسِهِ وَ أَهْلِهِ وَ مَالِهِ

احساس مسئولیت کردن	ترسیدن به خاطر دیگران	مَا شَكَكْتُ فِي الْحَقِّ مُذْ أَرَيْتُهُ لَمْ يُوجِسْ مُوسَى (ع) خَيْفَةً عَلَى نَفْسِهِ أَشْفَقَ مِنْ غَلْبَةِ الْجَهَالِ وَ دَوْلِ الضَّلَالِ
--------------------------	-----------------------	--

• جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر مشخص شد که از منظر شناختی، روابط میان فاعل و خویشتن بر اساس ارزش‌های حاکم بر ارتباط فرد با جامعه دینی شکل می‌گیرد. خویشتن انسانی در قالب مفاهیمی همچون: شیء، موجود جاندار، مکان و مانع، مفهوم‌سازی شده است. این مفهوم‌سازی با هدف به تصویر کشیدن مواضع فاعل در برابر خویشتن، برپایه رضایت الهی انجام شده است.

تحلیل زبان‌شناختی آموزه‌های مربوط به نفس و خویشتن در کلام امام علی (ع) در نهج‌البلغه نشان می‌دهد که ایشان برای تبلیغ، ارشاد و هدایت مردم از انواع روابط انسان با خویشتن بهره برده‌اند. این روابط شامل موارد زیر است:

۱. **رابطه والدی:** در این رابطه، فاعل نقش آموزش‌دهنده و خویشتن نقش

آموزش‌پذیر دارد که به شکل‌گیری خودپنداره مثبت کمک می‌کند؛

۲. **رابطه خودمراقبتی:** این رابطه در قالب پنددهنده یا هشداردهنده ظاهر

می‌شود و با ایجاد انگیزه خودسازی، زمینه را برای رشد و ارتقای خویشتن فراهم می‌کند؛

۳. **رابطه کشمکش:** این رابطه شامل انواع روی‌آوری، روی‌آوری-اجتناب و

اجتناب است که در آن‌ها ساختار استعاری نیرو-پویایی نقش دارد. مفاهیم

کنترل‌گری و حرکت اجباری، مواضع فاعل و خویشتن را شکل می‌دهند؛

۴. **رابطه سازگاری:** این رابطه با اعمال اقتدار مستقیم یا غیرمستقیم از سوی

فاعل بازنمایی می‌شود و به تجسم انسجام خویشتن با فاعل انسانی در راستای

انجام امر الهی (تسلیم) می‌انجامد. در مرحله تسلیم، عواطف مؤمن در جهت

سازگاری با اهداف الهی هدایت می‌شود. از این‌رو در نگاه امام علی (ع) رابطه آرمانی انسان با خود از تعامل سازگار او با خویشتن بر اساس اقتدار غیرمستقیم حاصل می‌شود.

منابع

*قرآن کریم

**نهج البلاغه*، (۱۳۷۹). ترجمه: محمد دشتی، ایران، قم: نشر مشهور.

۱. ابراهیم، سلیمان عبدالواحد (۲۰۱۴م). *علم النفس الاجتماعي ومتطلبات الحياة المعاصرة*، عمان: الوراق
۲. ابن‌ابی‌الحدید، عبدالحمید (۱۴۰۴ق). *شرح نهج البلاغه*. ایران، قم: مکتبه آیه‌الله العظمی المرعشی النجفی (ره).
۳. ابن میثم بحرانی، میثم بن علی (۱۳۷۵). *شرح نهج البلاغه*، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۴. آکریر، شفیق (۲۰۲۱م). *الإنسان والمرء في القرآن*، أو بین الماهية الميتافيزيقية والشخص الأخلاقي، *Journal of Islamic Ethics*، صفحه ۳۷-۸۳.
۵. بحر العلوم، محمد مهدی بن مرتضی (۱۹۸۶م). *الدررة النجفية*، لبنان، بیروت: دار الزهراء.
۶. بشیر، حسن (۱۳۹۷ش). *تحلیل گفتمان دینی: مبانی نظری*، تهران: انتشارات لوگوس.
۷. جرجانی، عبدالقاهر بن عبدالرحمن (۱۴۳۰ق). *درج الدرر فی تفسیر القرآن العظیم*، عمان: دار الفکر.
۸. حتة، محمد کامل (۱۹۸۳م). *القيم الدينية والمجتمع*، القاهرة: دار المعارف
۹. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۱۰. عویضة، محمد محمد (۱۹۹۶م). *علم النفس الشخصية*، لبنان، بیروت: دارالکتب العلمیة.
۱۱. قرنی، عزت، (۲۰۰۱م). *الذات و نظرية الفعل*، القاهرة: دارالقباء
۱۲. قنبری، شهلا؛ بهادری منفرد، ایاد (۱۳۹۹). خودمراقبتی از دیدگاه اسلام، *پژوهش در دین و سلامت*. ۶(۲)، صص ۱-۶. DOI.org/10.22037/jrrh.v6i2.29917
۱۳. کامکار، زهرا؛ سید موسوی، سیدحسین؛ طباطبایی، سید محمود و خرامین، شیرعلی (۱۴۰۰). مقایسه خودانگیختگی از دیدگاه قرآن و روان‌شناسی. *ارمغان دانش*، ۲۶(۴)، صص ۷۰۱-۷۲۵. DOI: 10.52547/armaghanj.26.4.1/701
۱۴. کوچش، زولاتان (۱۳۹۵). *زبان، ذهن و فرهنگ مقدمه‌ای مفید و کاربردی*. ترجمه: جهان‌نشان، میرزا بیگی، تهران: آگاه

۱۵. لی، دیوید (۲۰۰۲م). *زبان‌شناسی شناختی*. ترجمه: جهان‌شاه میرزا بیگی (۱۳۹۷)، تهران: آگاه.

۱۶. لیکاف، جورج و جانسون، مارک (۱۹۹۹م). *فلسفه جسمانی*، ترجمه: جهان‌شاه میرزابیگی (۱۳۹۴)، تهران: آگاه.

۱۷. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۸ق). *شرح نهج البلاغة المقتطف من بحار الأنوار*، به کوشش علی انصاریان، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

۱۸. محمص، مرضیه؛ رضازاده، یونس (۱۴۰۳ش). حوزه‌های مبدأ در استعاره‌های مفهومی ایمان و کفر در قرآن کریم. *تحقیقات علوم قرآن و حدیث*. ۲۱(۲) پیاپی ۶۲، صص ۱۳۴-۱۵۵.

DOI: [10.22051/TQH.2024.44560.3963](https://doi.org/10.22051/TQH.2024.44560.3963)

۱۹. المحنک، هاشم حسین ناصر (۲۰۱۴م). *علم الاجتماع في نهج البلاغة*، العراق، النجف الأشرف: دار الأنباء للطباعة والنشر.

۲۰. مغنیه، محمدجواد (۱۹۷۹م). *في ظلال نهج البلاغة*. لبنان، بیروت: دارالعلم للملایین.

۲۱. موسوی، سید عباس (۱۳۷۶). *شرح نهج البلاغة*. بیروت: دار الرسوم الأکرم.

۲۲. میبدی، رشیدالدین ابوالفضل (۱۳۷۱). *کشف الأسرار و عدّة الأبرار*، تهران: انتشارات امیرکبیر.

۲۳. نواب لاهیجی، محمد باقر بن محمود (بی‌تا). *شرح نهج البلاغة*، تهران: اخوان کتابچی.

24. Brown, Jonathon, (1998), *The Self*, Boston, Mass : McGraw-Hill.

25. Ives, Christopher D. & Kidwe, Jeremy, (2019). «Religion and Social Values for Sustainability», *Sustainability Science*, No 14, pp: 1355-1362.

26. Kenneth J. Gergen. (2011). *The Social Construction Of Self*. Oxford Handbook Of The Self. Gergen.

27. Markus, H & Wurf, E. (1987). «The dynamic self-concept: A social psychological perspective». *Annual Review of Psychology*, 38, pp: 299-337.

28. Nedim, Karakaya, (2007). *Self-Concept*, Wiley Blackwell Encyclopedia of Sociology, 2nd Editio, pp: 1-5.

Resources

- *The Holy Quran* (In Arabic)
- *Nahj al-Balagha* (1379 SH). Translator: Mohammad Dashti. Qom, Iran: Mashhur Publications. (In Persian)
- 1. Ibrahim, Sulaiman Abdulwahid (2014). *Social Psychology and the Requirements of Contemporary Life*. Amman: Al-Warraaq. (In Arabic)
- 2. Ibn Abi al-Hadid, Abdulhamid (1404 AH). *Sharh Nahj al-Balagha*. Qom, Iran: Ayatollah al-Mar'ashi al-Najafi Library. (In Arabic)
- 3. Ibn Mitham al-Bahrani, Mitham (1375 SH). *Sharh Nahj al-Balagha*. Mashhad: Islamic Research Foundation. (In Arabic)
- 4. Akkrir, Shafiq (2021). "Man ('Al-Insan' and 'Al-Mar') in the Quran: Between Metaphysical Essence and Ethical Personhood." *Journal of Islamic Ethics*, pp. 37-83. (In Arabic)
- 5. Bahral-Uloom, Muhammad Mahdi bin Murtadha (1986). *Al-Durrah al-Najafiyyah*. Beirut: Dar al-Zahra. (In Arabic)
- 6. Bashir, Hassan (1397 SH). *Analysis of Religious Discourse; Theoretical Foundations*. Tehran: Logos Publications. (In Persian)
- 7. Jurjani, Abdulqahir bin Abdulrahman (1430 AH). *Durj al-Durar fi Tafsir al-Quran al-Azim*. Amman: Dar al-Fikr. (In Arabic)
- 8. Hittah, Muhammad Kamil (1983). *Religious Values and Society*. Cairo: Dar al-Ma'arif. (In Arabic)
- 9. Tabrasi, Fazl ibn Hasan (1372 SH). *Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Quran*. Tehran: Nasir Khosrow Publications. (In Persian)
- 10. Awwidah, Muhammad Muhammad (1996). *Psychology of Personality*. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah. (In Arabic)
- 11. Qarni, Izzat (2001). *Al-zaat wa nazariat-alfe'l (The Self and the Theory of Action)*. Cairo: Dar al-Quba. (In Arabic)
- 12. Ghanbari, Shahla & Bahadorimonfared, Ayad (2020). Self-care from the Perspective of Islam, *Journal of Pizhūhish dar dīn va Salāmat (i.e., Research on Religion & Health)*, Vol. 6 No. 2 , Page 1-6. <https://doi.org/10.22037/jrrh.v6i2.29917> (In Persian)
- 13. Kamkar, Zahra; Seyed Mousavi, Seyed Hossein; Tabatabai, Seyed Mahmoud; & Kharamin, Shir Ali (2021). "Comparison of Spontaneity from the Perspective of Quran and Psychology." *Armaghan-e Danesh*, 147, pp. 701-725. URL: <http://armaghanj.yums.ac.ir/article-1-3072-fa.html> (In Persian)
- 14. Kovecses, Zoltán (1395 SH). *Language, Mind, and Culture: A Practical Introduction*. Translator: Jahanshah Mirza Beigi. Tehran: Agah. (In Persian)
- 15. Lee, David (1397 SH). *Cognitive Linguistics*. Translator: Jahanshah Mirza Beigi. Tehran: Agah. (In Persian)

16. Lakoff, George & Johnson, Mark (1395 SH). *Philosophy in the Flesh*. Translator: Jahanshah Mirza Beigi. Tehran: Agah. (In Persian)
17. Majlisi, Muhammad Baqir (1408 SH). *Sharh Nahj al-Balagha (Excerpted from Bihar al-Anwar)*. Editor: Ali Ansarian. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance. (In Persian)
18. Mohases, M. and Rezazadeh, Y. (2024). The Source Domains in Conceptual Metaphors of Faith and Disbelief in Holy Qur'an. *Researches of Quran and Hadith Sciences*, 21(2), 139-164. doi: 10.22051/tqh.2024.44560.3963 (In Persian)
19. Al-Mihnak, Hashim Husayn Nasir (2014). *Sociology in Nahj al-Balagha*. Najaf, Iraq: Dar al-Anba. (In Arabic)
20. Mughniyah, Muhammad Jawad (1979). *In the Shadows of Nahj al-Balagha*. Beirut: Dar al-Ilm lil-Malayin. (In Arabic)
21. Mousavi, Seyed Abbas (1376 SH). *Sharh-e- Nahj al-Balagha*. Beirut: Dar al-Rusum al-Akram. (In Persian)
22. Meybodi, Rashid al-Din Abul-Fazl (1371 SH). *Kashf al-Asrar wa 'Uddat al-Abrar*. Tehran: Amir Kabir Publications. (In Persian)
23. Nawab Lahiji, Muhammad Baqir bin Mahmoud (n.d.). *Sharh Nahj al-Balagha*. Tehran: Akhawan-e Kitabchi. (In Persian)
24. Brown, Jonathon (1998). *The Self*. Boston, MA: McGraw-Hill. (In English)
25. Ives, Christopher D. & Kidwell, Jeremy (2019). "Religion and Social Values for Sustainability." *Sustainability Science*, No. 14, pp. 1355-1362. (In English)
26. Gergen, Kenneth J. (2011). "The Social Construction of the Self." *Oxford Handbook of the Self*. (In English)
27. Markus, H. & Wurf, E. (1987). "The Dynamic Self-Concept: A Social Psychological Perspective." *Annual Review of Psychology*, 38, pp. 299-337. (In English)
28. Karakaya, Nedim (2007). "Self-Concept." *Wiley Blackwell Encyclopedia of Sociology*, 2nd Edition, pp. 1-5. (In English).